

¹From whence come wars and fightings among you? come they not hence, even of your lusts that war in your members? ²Ye lust, and have not: ye kill, and desire to have, and cannot obtain: ye fight and war, yet ye have not, because ye ask not. ³Ye ask, and receive not, because ye ask amiss, that ye may consume it upon your lusts. ⁴Ye adulterers and adulteresses, know ye not that the friendship of the world is enmity with God? whosoever therefore will be a friend of the world is the enemy of God. ⁵Do ye think that the scripture saith in vain, The spirit that dwelleth in us lusteth to envy? ⁶But he giveth more grace. Wherefore he saith, God resisteth the proud, but giveth grace unto the humble. ⁷Submit yourselves therefore to God. Resist the devil, and he will flee from you. ⁸Draw nigh to God, and he will draw nigh to you. Cleanse your hands, ye sinners; and purify your hearts, ye double minded. ⁹Be afflicted, and mourn, and weep: let your laughter be turned to mourning, and your joy to heaviness. ¹⁰Humble yourselves in the sight of the Lord, and he shall lift you up. ¹¹Speak not evil one of another, brethren. He that speaketh evil of his brother, and judgeth his brother, speaketh evil of the law, and judgeth the law: but if thou judge the law, thou art not a doer of the law, but a judge. ¹²There is one lawgiver, who is able to save and to destroy: who art thou that judgest another? ¹³Go to now, ye that say, To day or to morrow we will go into such a city, and continue there a year, and buy and sell, and get gain: ¹⁴Whereas ye know not what

پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید

¹از کجا در میان شما جنگها و از کجا نزاعها پدید می‌آید؟ آیا نه از لذت‌های شما که در اعضای شما جنگ می‌کند؟ ²طمع می‌ورزید و ندارید؛ می‌کشید و حسد می‌نمایید و نمی‌توانید به جنگ آرید؛ و جنگ و جدال می‌کنید و ندارید، از این جهت که سؤال نمی‌کنید؛ ³و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید، از اینرو که به نیت بد سؤال می‌کنید، تا در لذات خود صرف نمایید.

⁴ای زانیات، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خداست؟ پس هرکه می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد. ⁵آیا گمان دارید که کتاب عیث می‌گوید: روحی که او را در ما ساکن کرده است، تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد؟ ⁶لیکن او فیض زیاده می‌بخشد. بنابراین می‌گوید: خدا متکبران را مخالفت می‌کند، اما فروتنان را فیض می‌بخشد. ⁷پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید، تا از شما بگریزد. ⁸و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دست‌های خود را طاهر سازید، ای گناهکاران، و دل‌های خود را پاک کنید، ای دودلان. ⁹خود را خوار سازید، و ناله و گریه نمایید، و خنده شما به ماتم و خوشی شما به غم مبدل شود. ¹⁰در حضور خدا فروتنی کنید، تا شما را سرافراز فرماید.

¹¹ای برادران، یکدیگر را ناسزا مگویید، زیرا هرکه برادر خود را ناسزا گوید و بر او حکم کند، شریعت را ناسزا گفته و بر شریعت حکم کرده باشد. لکن اگر بر شریعت حکم کنی، عامل شریعت نیستی، بلکه داور هستی. ¹²صاحب شریعت و داور، یکی است که بر رهانیدن و هلاک کردن قادر می‌باشد. پس تو کیستی که بر همسایه خود داوری می‌کنی؟

¹³هان، ای کسانی که می‌گویید: امروز و فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال بسر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم بُرد: ¹⁴و حال آنکه نمی‌دانید که فردا چه می‌شود؛ از آنرو که حیات شما چیست؟ مگر بخاری نیستید که اندک زمانی ظاهر است و بعد ناپدید می‌شود؟ ¹⁵به عوض آنکه باید گفت که: اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم. ¹⁶اما الحال به عجب خود فخر می‌کنید و هر چنین فخر بد است. ¹⁷پس هرکه نیکویی کردن بداند و

shall be on the morrow. For what is your life? It is even a vapour, that appeareth for a little time, and then vanisheth away.¹⁵ For that ye ought to say, If the Lord will, we shall live, and do this, or that.¹⁶ But now ye rejoice in your boastings: all such rejoicing is evil.¹⁷ Therefore to him that knoweth to do good, and doeth it not, to him it is sin.